

## برنامه‌ریزی جنسیتی بر پایه واقعیت‌ها

دکتر ژاله شادی‌طلب\*

### چکیده

اهمیت برنامه‌ریزی جنسیتی در تواناسازی زنان برای دستیابی به عدالت و برابری با مردان است. به منظور توجیه این موضوع، نوشتار حاضر به دو بعد از مسئله (۱) درک تحول در مفاهیم و (۲) بازنگری پیش‌فرض‌های برنامه‌ریزی - می‌پردازد. یافته‌های پژوهشی در جامعه روستایی استان‌های یزد و آذربایجان غربی نشان می‌دهند که زنان روستایی همراه با مردان «نان‌آور خانه» هستند. «مدیریت خانه» به‌طور کامل به زنان روستایی واگذار نشده و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خانواده کماکان با مردان است. زنان روستایی استان یزد بیش از آذربایجان غربی به استقلال مالی دست یافته‌اند و طی دو دهه اخیر بیش از گذشته در فضای عمومی جامعه حضور پیدا کرده‌اند. بنابراین، با توجه به تفاوت‌های شایان توجه میان این جوامع (یزد و آذربایجان غربی) برخی از جنبه‌های اجتماعی و شکل‌گیری نقش‌ها، ارتباط چندانی با جنبه زیست‌شناختی (بیولوژیک) ندارد. در نتیجه هر گونه برنامه‌ریزی بر اساس پیش‌فرض‌های سنتی درباره زنان و نادیده گرفتن واقعیت‌های امروز، ناکارآمد خواهد بود.

## مقدمه

با این که اهمیت و نقش زنان امروزه بیش از گذشته درک شدنی است و آگاهی‌های اجتماعی در مورد نابرابری‌ها و تبعیض در سطوح و ابعاد گوناگون افزایش یافته، ولی اهمیت جنسیت در برنامه‌ریزی‌های توسعه چندان که باید مورد توجه قرار نگرفته است. دشواری درک موضوع و جهان‌شمول نبودن تعریف شاخص‌های اجتماعی مناسب موجب گردیده تا ابعاد جنسیتی در برنامه‌ها رعایت نگردد. در مواردی نیز که برنامه‌های توسعه ادعای ملحوظ داشتن زنان در برخی از بخش‌های اجتماعی را داشته‌اند (مانند آموزش و بهداشت)، سیاست‌های طراحی شده بیش‌تر شکل پیوست به برنامه را به خود گرفته‌اند، تا رویکردی که زنان مطابق با آن، در متن برنامه (integrated approach) دیده شوند.

اهمیت برنامه‌ریزی جنسیتی در تواناسازی زنان برای دستیابی به عدالت و برابری با مردان است. به‌منظور توجیه این موضوع، ابعاد گوناگونی از این مسئله را باید مطرح و بررسی کرد تا شاید با شناخت بیش‌تر مسئله، قدم‌های مثبتی در این جهت برداشته شود. این مقاله به دو بعد از موضوع برنامه‌ریزی جنسیتی می‌پردازد:

۱- درک تحول در مفاهیم؛

۲- بازنگری پیش‌فرض‌های برنامه‌ریزی.

با مروری کوتاه بر تحولاتی که در مفاهیم پیش آمده، سعی خواهد شد که با استفاده از یافته‌های یک پژوهش در مناطق روستایی آذربایجان غربی و یزد نشان داده شود که بسیاری از پیش‌فرض‌های سنتی در مورد زنان، امروزه مصداق چندانانی ندارند و برنامه‌ریزی‌های احتمالی بر اساس این پیش‌فرض‌ها ناکارآمد خواهند بود. نقش زنان در فضای عمومی و خصوصی دگرگون شده است، گرچه همچنان تفاوت‌های شایان توجه متأثر از شرایط فرهنگی - اجتماعی میان جوامع وجود دارد.

## ۱- درک تحول در مفاهیم

## ۱-۱- مفهوم «جنسیت» به جای «زن»

در اغلب نوشته‌های پس از جنگ جهانی دوم تا نیمه‌های دهه ۱۹۶۰ مفهوم «زن» به

منزله یک جنس (sex) به کار برده شده و نشان از تفاوت‌های زیست‌شناختی میان زن و مرد داشته است. در لوای این مفهوم، زن به سانِ موجودی با مسائل و مشکلات خاص خود و جدا از مرد دیده شده است. با جهانی شدن مسئله تبعیض علیه زنان و تلاش بیشتر تر نهضت‌های زنان برای کسب برابری و رواج عدالت در جامعه، تغییر نگرشی در مباحث اجتماعی نسبت به موضوع اتفاق افتاد که در نتیجه آن، به جای مفهوم «زن»، مفهوم «جنسیت» (gender) به کار رفت. این مفهوم جدید بر نگرش و رویکردی متفاوت از گذشته به مسائل زنان تأکید داشته، محور بحث را در واکاوی مشکلات زنان در متن روابط اجتماعی میان زنان و مردان می‌جوید. بر این اساس، فرودستی پایگاه زنان و تبعیض علیه آن‌ها در شبکه روابط اجتماعی جاری، در کل جامعه معنا پیدا می‌کند و در دو دنیای جدای زنانه و مردانه اصل مشکلات نادیده باقی می‌ماند. (Oakley, 1972; Rulin, 1975).

مفهوم «جنسیت» نه فقط به زن (که تفاوت‌های زیست‌شناختی با مرد دارد و این شاید بخشی از مسئله باشد) بلکه به زن در رابطه با مرد و شیوه‌ای که روابط این دو از نظر اجتماعی و ساختاری دارد، می‌نگرد. بنابراین، در رویکرد جنسیتی پذیرفته شده است که زن و مرد نقش‌های متفاوتی در جامعه و در گروه‌های اجتماعی کوچک‌تر ایفا می‌کنند، ولی نه صرفاً به خاطر تفاوت‌های زیست‌شناختی، بلکه تحت تأثیر ایدئولوژی جوامع، گذشته‌های تاریخی، و عوامل مذهبی، قومی، اقتصادی و فرهنگی (Whitehead, 1979). نحوه شکل‌گیری اجتماعی و محتوای این نقش‌ها در فضاها گوناگون و در طول زمان متفاوت و همواره در حال تغییر است. گاهی اوقات، مشکلات برنامه‌ریزان از همین نکته آخر ناشی می‌شود که به برنامه‌ریزی برای زنان با مفهوم «زن» و نه با رویکرد «جنسیت» پرداخته و سیاست‌هایی مبتنی بر تفاوت‌های زیست‌شناختی و نه تفاوت‌های اجتماعی طراحی و تدوین می‌نمایند. تحولات این مفاهیم و تفاوت‌های آن‌ها طی دهه‌های گذشته در مسائل توسعه نیز انعکاس یافته است.

۱-۲ رویکرد «جنسیت و توسعه» (GAD)<sup>(۱)</sup> به جای رویکرد «زن در توسعه»  
(WID)<sup>(۲)</sup>

مفهوم زن در توسعه را در دهه ۱۹۷۰ اولین بار کمیته زنان انجمن توسعه بین‌المللی که متشکل از جمعی از زنان متخصص حرفه‌ای (professional) در رشته توسعه بود، به کار گرفت. طرفداران این موضوع در «مؤسسه بین‌المللی توسعه هاروارد»<sup>(۳)</sup> کوشیدند تا نشان دهند که چگونه طی چند دهه بعد از پایان جنگ جهانی دوم، در کشورهای عقب‌مانده زنان از فرآیند توسعه به مثابه مشارکت‌کننده و برخوردارشونده از نتایج آن به دور نگه داشته شده‌اند (Overholt et al. 1984: 3). نظر کلی بر این بود که زنان منابع ناشناخته‌ای هستند که می‌توانند سهم چشمگیری از امکانات اقتصادی توسعه را در کشورها فراهم سازند و از منافع آن نیز برخوردار شوند. بدین ترتیب، برنامه‌های توسعه مبتنی بر رویکرد «زن در توسعه» بر اعطای امتیازاتی به زنان و دریافت سهمی از منافع به دست آمده تأکید دارد و حتی این بحث را تا حد ساختن دنیایی برای زنان در کنار دنیای مردان و سیاست‌گذاری‌های لازم در این جهت پیش می‌برد، مانند فراهم آوردن زمینه خوداشتغالی زنان در فضای خصوصی (خیاطی در خانه) در مقابل اشتغال مردان در فضای عمومی، وگردهم آوردن زنان در تشکلهایی جدا از مردان (تعاونی‌های روستایی زنان در مقابل تعاونی‌های روستایی مردان).

رویکرد «جنسیت در توسعه» نحوه برخورد رویکرد پیشین با مسائل زنان را که عمومیت بیشتری نیز یافته، رد می‌کند و سیاست‌گذاری‌های صورت‌گرفته را غفلت از مشکل اصلی می‌داند و بر این باور پافشاری می‌کند که ترکیب زنان در فرآیند توسعه فضایی جدا از مردان و فارغ از روابط اجتماعی این دو که از کوچک‌ترین گروه اجتماعی (خانواده) تا کل جامعه (سطح ملی) جریان دارد، تحقق نخواهد یافت.

عدم توفیق نسبی رویکرد تمرکز بر زنان به صورت مجزا از بقیه جامعه در برخی از کشورهایی که تحولات را زودتر آغاز کرده‌اند، در دهه ۱۹۸۰ مطرح گردید؛ ولی در بسیاری از کشورها هنوز هم در سال‌های آغازین سده بیست و یکم شیوه نگرش جدید و

1. Gender and Development (GAD).

2. Women in Development (WID).

3. Harvard International Development Institute.

اهمیت موضوع چندان شناخته شده نیست. دلایل وجود این مشکل بر سر راه برنامه‌ریزی جنسیتی چنین مطرح شده است.

۱- بیش‌تر مسئولان برنامه‌ریزی توسعه با اکراه اهمیت موضوع جنسیت در برنامه‌ریزی را پذیرفته‌اند، البته اگر به این اهمیت پی برده باشند؛

۲- به‌رغم تأسیس وزارتخانه‌ها، ادارات و مراکز زنان، کماکان ساختار تصمیم‌گیری‌ها، مردانه است، و تصمیم‌گیران نسبت به جنسیت بی‌توجه<sup>(۱)</sup> هستند؛

۳- برنامه‌ریزان آموزشی هیچ نوع تخصصی در رشته برنامه‌ریزی ندارند و از برنامه‌ریزی جنسیتی مطلع<sup>(۲)</sup> نیستند. گاهی تصور می‌شود که با استخدام زنان در واحدهای برنامه‌ریزی، مشکل حل می‌شود. در حالی که در بسیاری از جوامع، این امر خود باعث غفلت از محدودیت‌های ساختاری نظام برنامه‌ریزی و روش‌های آن شده است؛

۴- نظام برنامه‌ریزی بسیاری از کشورهای در حال توسعه در مقابل وارد کردن بحث «جنسیت» مقاومت می‌کند، و رویکرد تمرکز بر زنان را بیش‌تر می‌پسندد؛

۵- موانع سیاسی در این جهت بسیار زیاد است (Moser, 1993: 4-6).

## ۲- بازنگری پیش‌فرض‌های برنامه‌ریزی

ادبیات موجود علوم اجتماعی<sup>(۳)</sup> همگی نشان از این دارند که چون زنان و مردان موقعیت‌های (positions) متفاوتی در خانواده و جامعه دارند، بنابراین کنترل آن‌ها بر منابع و میزان مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های واحدهای اجتماعی، از موقعیت‌های متفاوت آن‌ها شکل می‌گیرد. در نتیجه، پایداری این تفاوت‌ها که ناشی از تفاوت‌های زیست‌شناختی (بر پایه مفهوم «زن») است، حکایت از کارکرد آن‌ها در جامعه دارد.

در این تصویر از کارکرد زنان و مردان از دو نکته غفلت می‌شود:

1. gender-blind.

2. gender-aware planner.

۳- شامل اغلب کتاب‌های علوم اجتماعی، مانند کتاب‌های درسی دوره ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و دانشگاه، و کتاب‌های کودکان.

۱- در همه جوامع، تفکیک نقش‌ها پایه زیست‌شناختی ندارد<sup>(۱)</sup>، بلکه برآیند روابط اجتماعی و تفاوت در فضاهای فرهنگی است؛  
 ۲- این تفاوت‌ها پیوسته در حال تغییرند.

این دو نکته زیربنای فکری برنامه‌ریزی جنسیتی و اهداف بلندمدت آن را برای استیفای حقوق اجتماعی زنان تشکیل می‌دهد. زیرا پیش‌فرض‌های نادرست در مورد ساختار اقتصادی خانواده، تقسیم کار در درون خانواده و چگونگی کنترل بر منابع توسط دو عضو اصلی خانواده، خود، امکان تبعیض بیش‌تری علیه زنان فراهم کرده است. در اغلب برنامه‌ریزی‌ها، پیش‌فرض‌های کلی زیر به صورت مخفی یا آشکار در محتوای برنامه، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های تدوین‌شده، به چشم می‌خورد:

۱- در جامعه، تقسیم کار مشخصی بر اساس جنسیت وجود دارد. مرد در فضای عمومی (خارج از خانه) فعال است و زن در مقام خانه‌دار در فضای خصوصی فعالیت می‌کند.

۲- در خانواده به منزله واحدی اجتماعی - اقتصادی، مدیریت خانه با زنان است و تصمیم‌گیری‌های داخل خانه (فضای خصوصی) از جمله اختیارات آن‌ها (زنان) محسوب می‌شود.

پیامد این پیش‌فرض‌های کلی، پیش‌فرض‌های جزئی‌تری هستند که در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری بخش‌های اجتماعی و اقتصادی تأثیر گذارند. برای نمونه:  
 الف - زنان، به خصوص زنان روستایی، دارای درآمد مستقل نیستند.  
 ب - زنان روستایی در عرصه عمومی و نظام‌های اعتبار رسمی (بانک‌ها) حضور ندارند.

آزمون درستی یا نادرستی این پیش‌فرض‌ها و آگاهی از تحولات دو دهه اخیر کشور در زمینه تفکیک نقش‌های جنسیتی می‌تواند به مثابه قدم‌های نخستین در جهت اصلاح نگرش‌های جامعه و به خصوص برنامه‌ریزان توسعه، حداقل به طرح پرسش پردازد.

۱- در کشور تایلند مردها در خانواده مسئولیت غذا پختن را به عهده دارند (FAO, 1997).

### ۳- طرح پژوهش

این مقاله بر اساس یافته‌های طرح پژوهشی که با هدف کلی شناخت رفتار اقتصادی زنان روستایی در زمینه پس‌انداز و سپرده‌گذاری انجام شده (سال ۱۳۷۶) تدوین گردیده است. اطلاعات گردآوری شده با توصیف وضع موجود و بازنگری پیش‌فرض‌های متداول در برنامه‌ریزی‌های توسعه (به خصوص توسعه روستایی) به روشن شدن نادرستی این پیش‌فرض‌ها کمک می‌کند.

#### ۳-۱- جامعه مورد بررسی

با توجه به محدودیت زمان و امکانات مالی سازمان حمایت‌کننده تحقیق (بانک کشاورزی) مطالعه روی زنان روستایی دو استان متمرکز گردید. در انتخاب استان‌های مورد مطالعه، ملاک‌های متعددی لحاظ گردید، از جمله: درجه توسعه‌یافتگی روستایی استان‌ها (گزارش بانک کشاورزی، عرب مازار و همکاران، ۱۳۷۳)، فعالیت‌های رایج اقتصادی، نقش زنان روستایی در تأمین نیروی کار و فعالیت‌های متنوع کشاورزی و غیر کشاورزی (گزارش زنان روستایی ایران، ۱۳۷۴، وزارت کشاورزی). در نتیجه، استان یزد به منزله استانی نسبتاً توسعه‌یافته در مقایسه با سایر استان‌ها با غلبه فعالیت صنایع دستی، و استان آذربایجان غربی با ویژگی برتری فعالیت‌های کشاورزی انتخاب گردیدند. در انتخاب شهرستان‌های دو استان نیز همین ملاک‌ها با همکاری کارشناسان کشاورزی استان و اطلاعات موجود رعایت شد. در نتیجه، از استان یزد، شهرستان‌های اردکان، میبد و مهریز، و از استان آذربایجان غربی، شهرستان‌های ارومیه، مهاباد و ماکو انتخاب شدند.

برای دستیابی به زنان روستایی در خانوارهای نمونه (گروه اول) با حذف روستاهای کم‌تر از بیست خانوار در مرحله اول، پنج درصد از کل روستاها (سی روستا) و پس از تهیه فهرست خانوارهای این روستاها در مرحله دوم، حدود پنج درصد از کل خانوارها (۱۵۲ خانوار) به صورت تصادفی ساده انتخاب گردیدند (این گروه نمونه روستا نامیده شد). با توجه به هدف اصلی تحقیق، گروه دومی به جامعه مورد بررسی اضافه گردید که زنان روستایی دارنده یکی از انواع حساب‌های سپرده در بانک کشاورزی

بودند. ولی چون احتمال می‌رفت که برای تعدادی از دختران روستایی، پدران آن‌ها نسبت به گشایش حساب اقدام کرده باشند، دختران زیر پانزده سال که احتمال مراجعه مستقیم آن‌ها به بانک بسیار ضعیف بود، حذف شدند. در نتیجه، از فهرست زنان روستایی دارنده حساب در بانک کشاورزی، تعداد ۱۷۲ نمونه در ۶۳ روستا انتخاب گردید (این گروه نمونه شعب نامیده شد). بدین ترتیب، کل روستاهای مورد بررسی به ۹۳ وکل زنان روستایی نمونه به ۳۲۴ نفر افزایش یافت.

### ۲-۳- تکنیک‌های به کار برده شده

باتوجه به فرهنگ جامعه روستایی در مورد گفت‌وگو با زنان روستایی، پرسشگران زن و آشنا به زبان‌های محلی نسبت به گردآوری اطلاعات اقدام نمودند. روش مصاحبه با استفاده از تکنیک پرسشنامه (پرسش‌های باز و بسته) و در کنار آن، مصاحبه هدایت شده با مطلعان محلی، کارشناسان، و گفت‌وگوی آزاد با زنان روستایی به گردآوری اطلاعات جامع‌تر کمک نمود. در تحلیل و مقایسه دو گروه نمونه (روستا و شعب) با فرضیه

$$H_0: \mu_1 = \mu_2$$

$$H_1: \mu_1 < \mu_2$$

از One Tailed T Test استفاده شد. بنابراین، در مواردی که تفاوت معناداری میان میانگین‌های دو گروه وجود داشته، اطلاعات دو گروه به تفکیک آورده شده است.

### ۳-۳- مهم‌ترین ویژگی‌های زنان روستایی در جامعه مورد بررسی

اطلاعات گردآوری شده از زنان روستایی در جامعه مورد بررسی نشان می‌دهد که در استان‌های یزد و آذربایجان غربی کمی بیش از ۷۵٪ نمونه‌ها در گروه سنی ۲۵ تا ۶۴ سال قرار داشته‌اند که نشانه میانسالی نمونه‌ها است. نسبت باسوادان در کل جامعه نمونه در استان یزد حدود شصت درصد و در استان آذربایجان غربی ۲۶٪ است. در مقایسه با نسبت باسوادی در میان زنان روستایی دو استان (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۰) که به ترتیب ۶۶ و ۳۶ درصد گزارش شده، تفاوت موجود ممکن است ناشی از میانسالی نمونه‌های



انتخابی باشد. نرخ بی‌سوادی در میان دو گروه نمونه در کل جامعه مورد بررسی تفاوت چشمگیری دارد. به خصوص این ویژگی در استان آذربایجان غربی بسیار چشمگیری است، به طوری که ۸۴/۵٪ نمونه‌های روستا و ۵۳٪ نمونه‌های شعب بی‌سواد هستند. نزدیک به نود درصد نمونه‌ها متأهل و حدود ۶۵ درصد حداقل دارای سه فرزند هستند و کمی بیش از ۳۵٪ نمونه‌ها نیز بیش از پنج فرزند دارند.

#### ۴- بازنگری پیش فرض‌های برنامه‌ریزی

##### ۴-۱- ساختار اقتصادی خانواده

انگاره «نادیده انگاشتن کار اقتصادی»<sup>(۱)</sup> زنان روستایی و نقش آن‌ها در تأمین منابع مالی و غیرمالی خانوار آن چنان در بافت فرهنگی جامعه ما جا خوش کرده که پذیرش تحول در نقش مردان در مقام «تنها نان‌آوران خانه» تا حدی باورنکردنی می‌نماید. اطلاعات مربوط به نقشی را که زنان روستایی به منزله کارگران بخش تولیدی (فضای عمومی) در تأمین منابع مالی یا فعالیت‌های اقتصادی در داخل خانه (فضای خصوصی) در تأمین منابع مالی و غیرمالی به عهده دارند و همگی فعالیت‌های درآمدزا یا هزینه‌اندوز (cost-saving) به حساب می‌آیند، می‌توان به مثابه شاهدهی به‌منظور بررسی پیش فرض‌های موجود به کارگرفت که آیا فقط مردان تأمین نیازهای اقتصادی خانواده را از طریق فعالیت در فضای عمومی به عهده دارند؟

در حالی که نشریه اخبار یونیسف (۲۰: ۱۹۸۰) اعلام می‌کند که حداقل پنجاه درصد مواد غذایی دنیا را زنان روستایی تولید می‌کنند، آمارهای رسمی برخی از کشورها سهم زنان روستایی از کل شاغلان این بخش را رقمی کم‌تر از ده درصد گزارش می‌کند. برای مثال، در کشور مصر براساس آمارهای ملی، ۳/۶ درصد نیروی کار کشاورزی را زنان تشکیل می‌دهند، در حالی که اطلاعات تحقیقات موردی گزارش می‌کند که ۵۵ تا ۷۰ درصد زنان در فعالیت‌های کشاورزی مشارکت دارند.

۱- در این بررسی، کار اقتصادی زنان روستایی شامل کار تولیدی آنان در واحد بهره‌برداری (چه با دستمزد و چه بدون دستمزد) و در درون خانه (به جز فعالیت‌های خانه‌داری) است، حتی اگر نتیجه کار در بازار به فروش نرسد و در خانواده مصرف شود.

توجه به سهم زنان روستایی در تأمین نیروی کار بر اساس صرف اوقات روزانه و مقایسه آنان با مردان مشخص می‌کند که اگر کار مردان در فعالیت‌های مشابه با زنان «اقتصادی» قلمداد می‌شود، باید کار زنان روستایی بدون دستمزد را نیز اقتصادی تلقی کرد و نقش آنان را در تأمین منابع مالی و غیرمالی خانوار و تجهیز پس‌انداز مدنظر قرار داد.

جدول ۱: سهم صرف اوقات روزانه (در موقعی که هوا روشن است)  
در فعالیت‌های مختلف کشاورزی

(میانگین)

فعالیت	مرد	زن
باغداری	۲۸/۶	۱۴/۷
زراعی	۳/۹	۲۰/۴
دامداری	۲/۵	۰/۲
جمع	۳۵/۰	۳۵/۳

برگرفته از: Dixon-Muller, 1989:60 به نقل از Kamuzora, 1980:128

یافته‌های تحقیقات گوناگون نشان می‌دهد که در کشورهای هند، بنگلادش و فیلیپین زنان روستایی مدت زمانی را که به کار کشاورزی و کار در منزل اختصاص می‌دهند، معادل کار مردان است (UN, 1986: 51) و براساس جدول شماره ۱ نیز تفاوت معناداری بین دو میانگین کل وجود ندارد.

گرچه مشخص نمودن سهم زنان در درآمد حاصل از فروش محصولات واحد بهره‌برداری خانوادگی کار ساده‌ای نیست، ولی اگر به ساده‌ترین راه، یعنی محاسبه ساعات کار زنان از کل ساعات کار صرف شده توسط افراد خانواده و تعمیم این سهم به کل ارزش تولید خالص بسنده شود، می‌توان نشان داد که کار زنان روستایی در واحدهای تولیدی و فروش محصولات حاصل از این کار به اندازه کار مردان است و از این طریق، حدود نیمی از درآمد مستقیم خانواده را به صورت نامرئی تأمین می‌نمایند.

زنان روستایی با نیروی کار خود علاوه بر تجهیز منابع مالی، به تأمین منابع غیرمالی در اقتصاد خانواده نیز کمک می‌کنند. زنان در تولید کالاهایی که مصارف خانگی دارند، مثل سبزی، فرآورده‌های لبنی، و دوخت لباس نقش اساسی دارند و به نظر می‌رسد که این تولیدات سهم قابل توجهی از کل درآمد خانواده را تشکیل می‌دهند، به طوری که برآورد شده زنان روستایی با تولید این‌گونه کالاها در منزل، معادل ۴۵ درصد از درآمد واقعی خانوار را تأمین می‌کنند (Guyer, 1980: 105).

واقعیت این است که تولید برای بازار و بخش‌های غیربازار در خانواده روستایی، زنجیره‌ای از فرآیند تولید است و تبدیل محصولات کشاورزی به کالاهایی که نیازهای خانواده را تأمین می‌کند، فرقی با تولید کالا برای مبادله در بازار ندارد. در بخش بازار، تولید به کمک ارزش کالاها براساس واحد پولی اندازه‌گیری می‌شود و در بخش خانواده (غیربازار) می‌توان براساس وقت صرف‌شده و برآورد ارزش زمان صرف‌شده، آن را به واحد پولی تبدیل کرد. به عبارت دیگر، کار بدون دستمزد زن روستایی تفاوتی با ارزش کالا یا خدماتی که از بازار خریداری می‌شود، ندارد.

مروری اجمالی بر ادبیات موجود در مورد کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که در ساختار اقتصادی خانواده، فعالیت زنان نه تنها محدود به خانه‌داری و در فضای خصوصی نیست، بلکه مردان نیز تنها نان‌آور خانواده نیستند؛ آیا در ایران نیز چنین است؟

برای پاسخگویی به این پرسش، به یافته‌های تحقیق در دو استان یزد و آذربایجان غربی اکتفا می‌کنیم، هرچند که به یقین، قابل تعمیم به کل کشور نیست.

## ۱-۱-۴- سهم زنان در اقتصاد خانواده

### الف - یزد

با توجه به امکانات طبیعی استان یزد برای فعالیت‌های اقتصادی و محدودیت آب زراعی در بخش کشاورزی انتظار می‌رود که این امکانات علاوه بر اشتغال مردان، بر کار زنان روستایی نیز مؤثر واقع شده باشد و چون هدف این بخش از مقاله، ارائه تصویری از فعالیت‌های زنان روستایی در ساختار اقتصاد خانواده از طریق تأمین نیروی کار و به طور

کلی نقش آنان در تأمین منابع مالی و غیرمالی در اقتصاد خانواده است، اطلاعات مربوط به فعالیت‌های زنان روستایی به جز خانه‌داری ارائه می‌شود.

یافته‌های تحقیق در عین حال که منعکس‌کننده رابطه شرایط طبیعی و فعالیت‌های اقتصادی رایج در جامعه روستایی استان یزد هستند، نقش بسیار جدی زنان روستایی را در اقتصاد خانواده و سهم آنان در «نان آوری» را به خوبی نشان می‌دهند.

براساس اطلاعات گردآوری شده ۸۲/۵ درصد از زنان روستایی در جامعه مورد بررسی دست‌کم به یک فعالیت اقتصادی پرداخته و ۲۸ درصد از کل نمونه‌ها مسئولیت تأمین نیروی کار را هم برای فعالیت اقتصادی در درون خانه (فضای خصوصی) و هم برای کار در واحد بهره‌برداری (فضای عمومی) به طور همزمان عهده‌دار بوده‌اند.

جدول ۲: فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی در جامعه مورد بررسی (استان یزد)

درصد	شرح
۳۰/۸	فقط در خانه
۲۳/۶	فقط در واحد بهره‌برداری
۲۸/۱	هر دو
۱۷/۵	هیچ‌کدام
۱۰۰/۰	جمع

فعالیت اقتصادی زنان روستایی یزد در خانه تقریباً منحصر به قالی‌بافی می‌شود به طوری که ۹۹ درصد کسانی که در خانه فعالیتی به جز خانه‌داری انجام داده‌اند، «قالی» را برای فروش، مصرف در منزل، یا جهیزیه دختران در آینده نام برده‌اند. مشارکت در فعالیت‌های زراعی و دامداری تحت تأثیر عوامل متعددی شکل گرفته است از جمله: شغل اصلی همسر یا پدر، در اختیار داشتن زمین زراعی، و اندازه واحد بهره‌برداری. اما به هر حال، اطلاعات به دست آمده حاکی از مشارکت زنان روستایی در فرآیند تولید محصولات کشاورزی و نقش اصلی زنان در چند مرحله از فعالیت‌های زراعی و دامی مانند برداشت، چیدن محصول، مراقبت و تغذیه دام‌ها، شیردوشی و تهیه فرآورده‌های لبنی است.

جدول ۳: فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی و مشارکت آن‌ها در تأمین درآمد یا کاهش هزینه‌های خانواده

درصد از زنان روستایی فعال در بخش کشاورزی	درصد از کل زنان روستایی	شرح
-	۵۹/۰	۱) فعالیت اقتصادی درون خانه (قالی‌بافی)
-	۴۰/۱	۲) فعالیت‌های زراعی و باغی
۴۰/۲	۱۶/۱	- آماده‌سازی زمین
۵۲/۹	۲۱/۲	- کاشت
۵۷/۵	۲۳/۰	- داشت
۸۷/۵	۳۵/۰	- برداشت و چیدن محصول
۶۶/۶	۲۶/۷	- فرآوری محصولات
-	۳۸/۷	۳) فعالیت‌های دامداری
۸۸/۱	۳۴/۱	- مراقبت از دام
۹۰/۵	۳۵/۰	- تغذیه دام
۴۰/۵	۱۵/۷	- چرا
۸۳/۳	۲۳/۳	- شیردوشی
۸۲/۱	۳۱/۸	- تهیه فرآورده‌های لبنی

با توجه به این که استان یزد، منطقه کشاورزی نیست، ۲۵/۳ درصد زنان روستایی شغل اصلی همسران خود را «کشاورزی» و ۴۸/۸ درصد «غیرکشاورزی» (فعالیتی در سایر بخش‌های اقتصادی) عنوان کرده‌اند.

در مجموع خانواده‌های مورد بررسی ۳۸/۷ درصد مالک زمین زراعی نیستند و حدود سیزده درصد از زنان روستایی نیز گرچه خانواده را مالک زمین زراعی اعلام کرده‌اند، ولی از اندازه واحد زراعی اظهار بی‌اطلاعی نموده‌اند.

سهم بسیار بزرگ واحدهای بهره‌برداری کوچک (۷۴٪ کم‌تر از یک هکتار) بیانگر

وضعیت کشاورزی، شرایط اقلیمی و امکانات آبی استان یزد و تأثیر آن‌ها بر فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی است. اطلاعات گردآوری شده نشان می‌دهد که بیش‌ترین زنان قالی‌باف در خانوارهای بدون زمین به کار قالی‌بافی مشغول هستند و با تمرکز بیش از ۸۳ درصد از زنان روستایی قالی‌باف در خانوارهای کم‌زمین و بدون زمین می‌توان به نقش مهمی که کار این گروه از زنان در تأمین بخشی از درآمد خانواده دارد، پی‌برد.

### ب - آذربایجان غربی

استان آذربایجان غربی به مثابه استانی که فعالیت غالب در جامعه روستایی آن کشاورزی است، و در نتیجه وضعیت فعالیت زنان می‌تواند تحت تأثیر امکانات طبیعی استان شکل گرفته باشد، انتخاب گردید. انتظار این که اکثر زنان روستایی آذربایجان غربی در فعالیت‌های کشاورزی (زراعی و دامی) نقش عمده‌ای داشته و تأمین بخشی از نیروی کار را در فرآیند تولید محصولات مختلف کشاورزی به عهده داشته باشند، با یافته‌های تحقیق تأیید شد؛ به طوری که ۸۶ درصد از کل زنان روستایی جامعه مورد بررسی حداقل به یک فعالیت اقتصادی علاوه بر خانه‌داری مشغول هستند و ۷۷/۵ درصد آنان این فعالیت اقتصادی را در فضایی بیرون از خانه انجام می‌دهند.

جدول ۴: فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی در جامعه مورد بررسی

(آذربایجان غربی)

درصد	شرح
۸/۴	فقط در خانه
۴۷/۶	فقط در واحد بهره‌برداری
۳۰/۰	هر دو
۱۴/۰	هیچ‌کدام
۱۰۰/۰	جمع

زنان روستایی آذربایجان غربی فعالیت‌های اقتصادی گوناگونی در فضای خصوصی دارند که از این طریق با کسب درآمد، بر منابع مالی خانواده می‌افزایند و با تأمین بخشی

از نیازهای افراد خانواده مانند لباس، در هزینه‌ها صرفه‌جویی نموده، به منابع غیرمالی خانواده کمک می‌کنند. علاوه بر این، با توجه به اهمیت بخش کشاورزی و نوع محصولات این استان، زنان روستایی نقش مهمی در برداشت و چیدن محصولات زراعی و باغی دارند. در فعالیت‌های دامی نیز نیمی از زنان روستایی در کارهای مربوط به مراقبت و تغذیه دام، دوشیدن شیر و تهیه فرآورده‌های لبنی فعال هستند. میزان مشارکت زنان روستایی در این گونه فعالیت‌ها تحت تأثیر شغل اصلی همسر، اندازه واحد بهره‌برداری و در اختیار داشتن زمین زراعی شکل می‌گیرد.

### جدول ۵: فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی و مشارکت آن‌ها

#### در تأمین درآمد یا کاهش هزینه

درصد از زنان روستایی فعال در بخش کشاورزی	درصد از کل زنان روستایی	شرح
-	۳۸/۳	۱) فعالیت اقتصادی درون خانه (قالی بافی)
-	۷/۵	- قالی بافی
-	۱۶/۸	- گلدوزی و قلاب بافی
-	۲۶/۲	- پختن نان
-	۵۶/۰	۲) فعالیت‌های زراعی و باغی
۲۸/۳	۱۵/۹	- آماده‌سازی زمین
۶۰/۰	۳۳/۶	- کاشت
۶۵/۰	۳۶/۴	- داشت
۹۳/۳	۵۲/۳	- برداشت و چیدن محصول
۷۰/۰	۳۹/۳	- فرآوری محصولات
-	۵۷/۰	۳) فعالیت‌های دامداری
۸۶/۹	۴۹/۵	- مراقبت از دام
۸۸/۵	۵۰/۵	- تغذیه دام
۲۴/۶	۱۴/۰	- چرا

براساس یافته‌های تحقیق، اندازه زمین زراعی بیش از نیمی از خانواده‌ها کم‌تر از دو هکتار و حدود ۲۱ درصد نیز زمین زراعی بیش از پنج هکتار دارند.<sup>(۱)</sup> گرچه سهم صاحبان اراضی کوچک در استان آذربایجان غربی نسبت به بقیه بیش‌تر است، ولی سهم خانواده‌های دارای زمین زراعی و به خصوص خانواده‌های روستایی که بیش از ده هکتار زمین دارند، نشان‌دهنده اهمیت بخش کشاورزی در زندگی و معیشت خانوارهای روستایی است. در خصوص همین مسئله، ۵۳٪ از زنان روستایی در کل جامعه مورد بررسی شغل اصلی همسران خود را «کشاورزی» نام برده‌اند. بدین ترتیب، در جامعه روستایی آذربایجان غربی خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که از راه کار و فعالیت در بخش کشاورزی زندگی خود را تأمین می‌کنند و در نتیجه، نقش زنان روستایی در تولید محصولات کشاورزی و تأمین منابع مالی و غیرمالی خانواده بارزتر می‌شود.

مجموع یافته‌های دو استان یزد و آذربایجان غربی نشان می‌دهد که زنان روستایی علاوه بر خانه‌داری (غذا پختن، لباس شستن و...) در فضای خصوصی (منزل) نیز به فعالیت اقتصادی می‌پردازند که باعث کسب درآمد برای خانواده و کاهش هزینه‌های خانواده می‌شود. این نسبت در استان یزد رقم بالایی (در حد شصت درصد) از کل زنان روستایی جامعه مورد بررسی است. از سوی دیگر، بیش از نیمی از زنان روستایی در هر دو استان (در استان آذربایجان غربی در حد ۷۸ درصد) در واحدهای بهره‌برداری زراعی و دامی (متعلق به خانواده و دیگران) کار می‌کنند. بنابراین، در چنین شرایطی مردان تنها نان‌آور خانه نیستند.

## ۲-۴- زنان در فضای خصوصی: آیا واقعاً مدیریت خانه با زن است؟

بررسی ساختار اقتصادی خانواده روستایی در ایران و سایر کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که زنان روستایی به فعالیت‌های متنوع (فضای عمومی و خصوصی) درآمدزا می‌پردازد. آیا مشارکت آن‌ها در تأمین منابع مالی و غیرمالی خانواده موجب افزایش اقتدار و مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها یا به عبارت دیگر، کنترل منابع

۱- نزدیک به پانزده درصد از زنان روستایی از اندازه زمین زراعی خانوار اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند.



در خانواده شده است؟ حتی اگر یافته‌های بخش پیشین مقاله (قسمت ۱-۴) نادیده گرفته شود و فرض کنیم (هرچند این فرض نادرست است) که زنان نقشی در تأمین منابع خانواده ندارند و قرار است فقط در درون خانه به مصرف و مدیریت امور داخل خانه بپردازند، آیا واقعاً مدیریت کامل خانه به زن‌ها واگذار شده است و تمام تصمیم‌ها توسط آن‌ها یا با مشارکت جدی آن‌ها اتخاذ می‌شود؟

در مورد این مسئله نیز مانند سایر مسائل زنان روستایی تحقیقات چندانی انجام نگرفته و از یافته‌های پژوهش‌های موردی در سایر کشورهای در حال توسعه و ایران استفاده شده است.

براساس یک بررسی (هاشمی، ۱۳۷۴: ۱۷۹ - ۲۰۲) مشارکت زنان روستایی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به مصرف درآمد حاصل از فروش قالی‌هایی که خود بافته‌اند، بسیار ناچیز است، به طوری که در ۸۲ درصد از خانواده‌های روستایی، مردان به تنهایی تصمیم می‌گیرند و در هشت درصد از موارد، زن و مرد به طور مشترک درباره چگونگی مصرف درآمد به دست آمده از فروش قالی‌ها تصمیم‌گیری می‌کنند.

یافته‌های تحقیقی که در هفت کشور در حال توسعه صورت گرفته، سهم نسبی زنان روستایی در تصمیم‌گیری‌های خانواده در زمینه دریافت وام و پس‌انداز را برآورد کرده است. در این تحقیق، دو مفهوم تصمیم‌گیری و مشارکت به گونه خاصی تعریف و از یکدیگر تفکیک شده است:

- تصمیم‌گیری: دخالت زنان روستایی در این مورد که چگونه، چه وقت و چه کار باید کرد.

- مشارکت: دخالت زنان روستایی در انجام دادن کارها پس از تصمیم‌گیری. به عبارت دیگر، مفهوم «تصمیم‌گیری» نشان‌دهنده استقلال فکر و عمل در هزینه و درآمد است، ولی «مشارکت» دخالت زنان در مرحله اجرایی پس از تصمیم‌گیری است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد جز در یک مورد (پس‌انداز بخشی از درآمد در کشور بولیوی) که زنان روستایی تصمیم می‌گیرند، در بقیه موارد مردان نقش اصلی را دارند.

جدول ۶: میزان دخالت زنان در دو نمونه از تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خانواده

پس‌انداز بخشی از درآمد		دریافت وام و اعتبار		
مشارکت	تصمیم‌گیری	مشارکت	تصمیم‌گیری	
Hw	Hw	Hw	Hw	غنا (جنوبی)
HW	HW	H	H	کنیا
HW	HW	HW	H	لسوتو
HW	Hw	Hw	Hw	نیجریه (جنوب)
HW	hW	H	Hw	بولیوی
H	Hw	H	H	پاراگوئه
HW	HW	Hw	HW	پرو

برگرفته از Dixon-Muller, 1989:20 به نقل از Michelwait, Riegelman and Sweet, 1976<sup>(۱)</sup>

### ۱-۲-۴ مشارکت زنان روستایی در کنترل منابع و تصمیم‌گیری‌های خانواده

#### الف - یزد

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که حدود ۸۳ درصد از زنان روستایی به یک فعالیت اقتصادی در فضای خصوصی یا در واحد بهره‌برداری می‌پردازند. اطلاعات مربوط به برخورداری زنان از منابع اقتصادی خانواده که خود در تأمین آن نقش اساسی دارند، گویای این است که نزدیک به ۵۱ درصد از این زنان روستایی دارای درآمد مستقل هستند و حدود نیمی از آنان حتی با مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، دارای درآمد مستقل نیستند.

۱- مرد به صورت فعال تصمیم‌گیری می‌کند H=

زن به صورت فعال تصمیم‌گیری می‌کند W=

مرد به صورت فعال با مشورت با زن تصمیم‌گیری می‌کند Hw=

زن به صورت فعال با مشورت مرد تصمیم‌گیری می‌کند hW=

زن و مرد باهم تصمیم‌گیری می‌کنند HW=

میزان درآمد کسانی که خود را دارای درآمد مستقل معرفی کرده‌اند، به شرح زیر است:

جدول ۷: میزان درآمد مستقل زنان روستایی در سال

درصد	گروه‌های درآمدی
۳۹/۵	تا ۵۰۰ هزار ریال
۳۳/۷	۵۰۱ تا ۱۰۰۰ هزار ریال
۲۴/۴	۱۰۰۱ تا ۲۰۰۰ هزار ریال
۱/۲	۲۰۰۱ تا ۵۰۰۰ هزار ریال
۱۰۰/۰	جمع

\* پنج نفر میزان درآمد خود را اظهار ننموده‌اند

بدین ترتیب، درآمد  $۷۳/۲$  درصد از زنان روستایی که دارای درآمدی مستقل از سایر افراد خانواده هستند تا یکصد هزار تومان در سال و سهم کسانی که دارای درآمدهایی بیش از سالیانه پانصد هزار تومان هستند، بسیار کم است.

موضوع مهم دیگر در این زمینه، میزان استقلال زنان روستایی در هزینه نمودن درآمد کسب شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در ۳۱ درصد موارد (درباره مصرف درآمد خود) زنان با مشارکت مردان و در ۶۹ درصد موارد به طور مستقل تصمیم‌گیری می‌کنند. زنان روستایی موارد مصرف درآمد خود را به شرح زیر عنوان کرده‌اند:

جدول ۸: موارد مصرف درآمد زنان روستایی که درآمد مستقل دارند  
(درصد از کل)

نمونه‌های روستا	کل زنان روستایی با درآمد مستقل	موارد مصرف درآمد
۲۹/۴	۲۴/۲	خرید تجهیزات سرمایه‌ای <sup>(۱)</sup>
۴۴/۱	۴۱/۸	خرید کالاهای بادوام <sup>(۲)</sup>
۱۴/۷	۱۹/۹	سرمایه‌گذاری نقدی
۲۶/۵	۳۷/۴	بازپرداخت بدهی
۳۲/۴	۲۵/۳	هزینه‌های جاری کشاورزی
۳۵/۸	۵۱/۶	تحصیل فرزندان
۶۱/۸	۷۶/۹	هزینه‌های جاری زندگی

زنان روستایی درآمد کسب شده را در درجه اول برای تأمین مایحتاج زندگی هزینه می‌کنند. پس از تأمین نیازهای اساسی، تحصیل فرزندان و خرید کالاهای بادوام بیش‌ترین اهمیت را دارد. از محل درآمد زنان، بخشی از بدهی‌های خانواده نیز پرداخت می‌گردد و بیست درصد از زنان روستایی پس‌انداز نقدی را یکی از موارد مصرف درآمد خود عنوان کرده‌اند و بر خلاف انتظار اولیه، اکثر زنان ضرورتی برای پنهان کردن پس‌انداز شخصی از شوهرانشان نمی‌بینند.

خرید تجهیزات سرمایه‌ای (مانند ابزار و ماشین‌آلات، زمین، دام) توسط ۲۴ درصد از زنان روستایی در کل جامعه مورد بررسی نشان‌دهنده آگاهی زنان روستایی و در واقع، پس‌انداز غیر نقدی در خانواده است. در صورتی که بدهی‌های پیشین نیز برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اقتصادی بوده باشد، آنگاه بازپرداخت این بخش از بدهی‌ها بر اهمیت نقش زنان روستایی در اقتصاد خانواده می‌افزاید. به‌طور کلی می‌توان

۱- تجهیزات سرمایه‌ای شامل: ابزار، تجهیزات و ماشین‌آلات مختلف در زمینه‌های کشاورزی و صنایع دستی، زمین، دام و...

۲- کالاهای بادوام شامل: مسکن، لوازم منزل، جهیزیه فرزندان و...

نتیجه گرفت زنان روستایی درآمد کسب شده را در درون خانواده و بیش تر برای آینده فرزندان هزینه می‌کنند.

موضوع دیگری که در زمینه بر خورداری زنان از منابع وجود دارد، مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خانواده است. به عبارت دیگر، بدون توجه به این که آیا زنان روستایی دارای درآمد مستقل هستند یا خیر، باید دید که تا چه اندازه در موارد مصرف درآمد خانواده مشارکت می‌نمایند.

اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهد که حدود دوازده درصد از زنان روستایی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به مصرف درآمد خانواده هیچ مشارکتی ندارند و مردان به تنهایی تصمیم‌گیری می‌کنند. در میان ۸۸٪ از زنان روستایی که نقشی در این تصمیم‌گیری‌ها دارند، بیش‌ترین مشارکت پس از تأمین مایحتاج عمومی، در تصمیم‌گیری مربوط به تحصیل فرزندان به چشم می‌خورد.

این یافته‌ها نشان می‌دهد آن‌چه به زنان روستایی در مدیریت خانواده<sup>(۱)</sup> واگذار شده، چگونگی صرف هزینه‌های جاری زندگی (غذا و لباس و...) و مسائل آموزشی بچه‌ها است، و گرنه در بقیه موارد، حتی خرید کالاهای بادوام مانند لوازم منزل و جهیزیه فرزندان، کم‌تر از ۱/۳ زنان روستایی در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت دارند. به عبارت دیگر، مردان تصمیم‌گیری‌های اقتصادی را چه در فضای خصوصی و چه در فضای عمومی به عهده دارند و زنان روستایی، حتی آن‌هایی که (بیش از هشتاد درصد نمونه‌ها) به فعالیت‌های اقتصادی درآمدزا و هزینه‌اندوز می‌پردازند، در چگونگی هزینه آن نقش قاطعی ندارند. بنابراین، در مناطق روستایی استان یزد که از نظر اقتصادی و اجتماعی توسعه یافته‌تر از سایر استان‌های کشور است، بازهم مدیریت خانواده به طور کامل به زنان روستایی واگذار نشده است.

جدول ۹: مشارکت زنان روستایی در تصمیم‌گیری‌های خانواده (درصد از کل)

نمونه‌های روستا	موارد مشارکت
۱۱/۶	خرید تجهیزات سرمایه‌ای
۲۷/۵	خرید کالاهای بادوام
۱۳/۰	سرمایه‌گذاری نقدی
۲۴/۶	بازپرداخت بدهی
۴۳/۵	هزینه‌های جاری کشاورزی
۵۰/۷	تحصیل فرزندان
۹۵/۷	هزینه‌های جاری زندگی

### ب - آذربایجان غربی

مروری بر اطلاعات ارائه شده در مورد نقش زنان در اقتصاد خانواده روستایی نشان می‌دهد که ۸۶ درصد زنان روستایی آذربایجان غربی به یک فعالیت اقتصادی در خانه یا در واحد بهره‌برداری می‌پردازند، ولی سهم بسیار کوچکی از این زنان (۲۸ درصد) درآمد مستقل دارند. به عبارت دیگر، ۷۲ درصد از زنان روستایی حتی با مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و کار در مزرعه، دارای درآمد مستقل نیستند. میزان درآمد زنان روستایی که خود را دارای درآمد مستقل معرفی کرده‌اند، به شرح زیر است:

جدول ۱۰: میزان درآمد مستقل زنان روستایی در سال

درصد	گروه‌های درآمدی
۴۲/۸	تا ۵۰۰ هزار ریال
۱۹/۱	۵۰۱ تا ۱۰۰۰ هزار ریال
۱۹/۱	۱۰۰۱ تا ۲۰۰۰ هزار ریال
۱۴/۳	۲۰۰۱ تا ۵۰۰۰ هزار ریال
۴/۷	بیش از ۵۰۰۰ هزار ریال
۱۰۰/۰	جمع

\* پنج نفر میزان درآمد خود را اظهار ننموده‌اند

براساس اطلاعات فوق ۶۲ درصد از زنان روستایی سالیانه درآمدی تا یکصد هزار تومان دارند و سهم کسانی که بیش از ۵۰۰ هزار تومان در سال درآمد داشته باشند ۴/۷ درصد است.

میزان استقلال زنان روستایی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به مصرف درآمد خودشان نشان می‌دهد که اکثریت زنان روستایی در آذربایجان غربی با درآمد مستقل درباره چگونگی مصرف آن، خود، تصمیم‌گیری می‌کنند (۸۴ درصد از زنان) و در شانزده درصد موارد از همفکری همسران خود سود می‌برند.

جدول ۱۱: موارد مصرف درآمد زنان روستایی آذربایجان غربی که درآمد مستقل دارند

نمونه‌های روستا	کل زنان روستایی با درآمد مستقل	موارد هزینه
۱۲/۵	۲۴/۰	خرید تجهیزات سرمایه‌ای <sup>(۱)</sup>
۲۵/۰	۴۴/۰	خرید کالاهای بادوام <sup>(۲)</sup>
۲۵/۰	۲۴/۰	سرمایه‌گذاری نقدی
۵۰/۰	۶۰/۰	بازپرداخت بدهی
۲۵/۰	۳۶/۰	هزینه‌های جاری کشاورزی
۶۲/۵	۵۲/۰	تحصیل فرزندان
۵۷/۰	۸۸/۰	هزینه‌های جاری زندگی

زنان روستایی از درآمد کسب شده خود در درجه اول برای تأمین مایحتاج زندگی (۸۸ درصد) استفاده می‌کنند. پس از تأمین نیازهای اساسی، از محل درآمد زنان روستایی بخشی از بدهی‌ها پرداخت می‌شود. تحصیل فرزندان در اولویت بعدی قرار

۱- تجهیزات سرمایه‌ای شامل: ابزار، تجهیزات و ماشین‌آلات مختلف در زمینه‌های کشاورزی و صنایع دستی، زمین، دام و...

۲- کالاهای بادوام شامل: مسکن، لوازم منزل، جهیزیه فرزندان و...

دارد.

مشارکت زنان روستایی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به هزینه درآمد خانواده، موضوع مهم دیگری است که میزان برخورداری از منابع را نیز نشان می‌دهد. اطلاعات به دست آمده گویای آن است که ۱۷/۸٪ از زنان روستایی آذربایجان غربی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به درآمد خانواده هیچ مشارکتی ندارند و مردان به تنهایی تصمیم‌گیری می‌کنند. در میان ۸۲٪ از زنان روستایی که نقشی در این تصمیم‌گیری‌ها دارند، موارد تصمیم‌گیری‌ها به شرح زیر است:

جدول ۱۲: مشارکت زنان روستایی آذربایجان غربی در تصمیم‌گیری‌های خانواده (درصد از کل)

نمونه‌های روستا	کل زنان روستایی با	موارد مشارکت
۸/۷	۱۴/۸	خرید تجهیزات سرمایه‌ای
۲۸/۰	۳۵/۲	خرید کالاهای بادوام
۱۰/۵	۱۵/۹	سرمایه‌گذاری نقدی
۲۶/۳	۳۲/۹	بازپرداخت بدهی
۱۴/۰	۲۲/۷	هزینه‌های جاری کشاورزی
۴۹/۱	۴۸/۹	تحصیل فرزندان
۹۶/۰	۹۷/۷	هزینه‌های جاری زندگی

بر اساس مجموع یافته‌های فوق می‌توان نتیجه گرفت که با سهم مشارکت نسبتاً برابر زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی (یزد ۸۳٪ و آذربایجان غربی ۸۶٪)، پنجاه درصد از زنان روستایی در استان یزد موفق شده‌اند که درآمد مستقلی از درآمد کل افراد خانواده داشته باشند، گرچه موارد هزینه این درآمد در درجه اول، تأمین مایحتاج عمومی خانواده و سپس آموزش فرزندان است.

موارد هزینه درآمد مستقل زنان روستایی آذربایجان غربی مشابه استان یزد است، ولی سهم آن‌ها حدود ۲۸٪ از کل زنان روستایی مشارکت‌کننده در فعالیت‌های اقتصادی



است که از این نظر نسبت به استان یزد، عقب‌تر مانده‌اند.

یافته مهم دیگر این که، تصمیم‌گیری در مورد چگونگی مصارف درآمد خانوار به طور کامل به عهده زنان نیست، بلکه اکثر مردان تصمیم‌گیری در مورد هزینه‌های روزمره خانه و تحصیل فرزندان را به عهده زنان گذاشته، خود کماکان مدیریت منابع اقتصادی را در اختیار دارند.

### ۳-۴- زنان روستایی در فضای عمومی

زنان روستایی علاوه بر فعالیت و کار در واحدهای بهره‌برداری کشاورزی، در فضای عمومی با سازمان‌های اقتصادی و اجتماعی گوناگونی آشنا شده‌اند و گرچه هنوز به برابری کامل در برخورداری از منابع این سازمان‌ها دست نیافته‌اند، ولی میزان شناخت آن‌ها از سازمان‌های اعتبار رسمی (بانک‌ها) و نحوه ارتباط آن‌ها گویای آن است که تقسیم کار سنتی و تفکیک نقش‌های مبتنی بر تفاوت‌های زیست‌شناختی اعتبار خود را از دست داده است.

#### ۱-۳-۴- شناخت و ارتباط زنان روستایی با سیستم بانکی

میزان شناخت زنان روستایی از نظام بانکی با ذکر نام بانک‌هایی که می‌شناسند و در آن‌ها سپرده‌گذاری کرده‌اند (صاحب دفترچه بانکی)، مورد سنجش قرار گرفت.

جدول ۱۳: آشنایی با حداقل یک بانک در جامعه روستایی مورد مطالعه

استان	درصد از کل	درصد از نمونه‌های شعب	درصد از نمونه‌های روستا
یزد	۹۲/۲	۹۷/۸	۸۲/۷
آذربایجان غربی	۵۳/۳	۱۰۰	۲۹/۶

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میزان شناخت زنان روستایی جامعه مورد بررسی در استان یزد به میزان چشمگیری بیش از استان آذربایجان غربی است. البته انتظار

می‌رفت<sup>(۱)</sup> که همه زنان روستایی حداقل یک بانک (بانک کشاورزی) را نام ببرند، ولی به نظر می‌رسد در استان یزد حدود چهار درصد نمونه‌ها نام بانک را فراموش کرده‌اند. با توجه به این که شناختن یک بانک توسط زنان روستایی به معنای حضور در فضای عمومی نمی‌توانست باشد، چگونگی گشایش حساب و مدت زمان ارتباط با بانک، مورد کنجکاوی بیشتر تر قرار گرفت.

جدول ۱۴: رابطه میان شناختن نظام بانکی و رفتار سپرده‌گذاری زنان روستایی (یزد) (درصد از کل)

سپه	تجارت		ملت		صادرات		ملی		کشاورزی		داشتن حساب آشنایی با بانک	
	خیر	بلی	خیر	بلی	خیر	بلی	خیر	بلی	خیر	بلی		
										۱/۸	خیر <sup>(۱)</sup> ۱۵/۷ بلی <sup>(۳)</sup> ۱۷/۵	کشاورزی
							۰/۹	۳۷/۳				خیر
							۱۶/۱	۴۵/۶				بلی
					۱/۴	۴۷/۵						خیر
					۱۱/۱	۴۰/۱						بلی
				۷۸/۸								خیر
				۳/۲	۱۸/۰							بلی
												خیر
												بلی
												خیر
												بلی
۰/۵	۷۷/۹											خیر
۱/۸	۱۹/۸											بلی

۱- این انتظار به چگونگی انتخاب نمونه‌ها مربوط می‌گردد که البته نمونه‌های انتخابی، خود، از این موضوع مطلع نبودند.



برای بررسی دقیق‌تر میزان ارتباط زنان روستایی با بانک‌ها (با «نمونه‌های شعب» که از دارندگان حساب در بانک کشاورزی انتخاب شده‌اند) اطلاعات «نمونه‌های روستا» که به صورت تصادفی از کل جامعه روستایی انتخاب شده بودند در مورد سپرده‌گذاری در شناخته شده‌ترین بانک روستایی (بانک کشاورزی) جداگانه بررسی شد.

### جدول ۱۶: رابطه شناخت زنان روستایی از بانک کشاورزی با رفتار

سپرده‌گذاری آنان در این بانک (درصد از کل نمونه)

نمونه‌های روستا (آذربایجان غربی)		نمونه‌های روستا (یزد)		داشتن حساب آشنایی با بانک
خیر	بلی	خیر	بلی	
۸۵/۹	-	۳۹/۵	-	خیر
۱۲/۷	۱/۴	۱۷/۳	۴۳/۲	بلی
۱۴/۱		۶۰/۵		

بدین ترتیب، سهم زنان روستایی آشنا با بانک کشاورزی در جامعه روستایی یزد به طرز چشمگیری از استان آذربایجان غربی بیشتر است (۶۰/۵٪ در برابر ۱۴/۱٪) و مشابه همین رابطه در زمینه دارندگان حساب (۱۷/۳٪ در برابر ۱/۴٪) نیز به چشم می‌خورد. بدین ترتیب، در استان یزد، زنان روستایی بیش‌تری به منزله مشتریان بانک در عرصه عمومی حضور یافته‌اند.

اطلاعات گردآوری شده در مورد مدت گشایش حساب در جامعه مورد بررسی نشان می‌دهد که در استان یزد برای ۲۹ درصد و در آذربایجان غربی برای حدود پانزده درصد از زنان روستایی بیش از هفت سال از زمان ارتباط با نظام بانکی گذشته و حدود سی درصد نیز در هر دو استان اخیراً در بانک مورد نظر دفترچه گرفته‌اند (کم‌تر از دو سال). به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که اکثریت زنان روستایی مشتریان جدید بانک (پنج سال و کم‌تر) هستند و مدت چندانی از آشنایی آن‌ها با نظام اعتبار رسمی کشور نگذشته است، به طوری که تعداد کسانی که به سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

اشاره کرده‌اند، فقط ۴/۱ درصد از کل دارندگان حساب بوده است.

جدول ۱۷: مدت ارتباط زنان روستایی با نظام بانکی (گشایش حساب)  
(درصد از کل دارندگان حساب)

نام بانک	مدت	یک سال	دو سال	سه پنج سال	شش هفت سال	بیش از هفت سال	جمع
یزد	۱۶/۸	۱۱/۸	۳۰/۴	۱۱/۸	۲۹/۱	۱۰۰	
آذربایجان غربی	۲۱/۲	۱۱/۵	۳۶/۵	۱۵/۴	۱۵/۵	۱۰۰	

نکته‌ای که به روشن شدن چگونگی آشنایی و ارتباط زنان روستایی با نظام بانکی بیش‌تر کمک می‌کند، این است که آیا زنان روستایی (حداقل پانزده‌ساله) خود نسبت به افتتاح حساب اقدام کرده‌اند یا این کار توسط همسران (سایر مردان خانواده) آنان صورت گرفته است.

جدول ۱۸: نحوه گشایش حساب و سپرده‌گذاری زنان روستایی در بانک‌ها  
(درصد از کل دارندگان حساب)

نام بانک	خودش	دیگران				سایر	جمع
		همسر	پدر	پسر	برادر		
یزد	۷۶/۹	۱۳/۳	۴۰/۰	۱/۸	۰/۹	۳/۱	۱۰۰
آذربایجان غربی	۸۳/۳	۳/۷	۵/۵	۱/۸	۱/۸	۳/۷	۱۰۰

یافته‌های تحقیق در این مورد نشان می‌دهد که اکثر زنان روستایی، خود به بانک مراجعه کرده (۸۳ و ۷۷ درصد) و نسبت به افتتاح حساب اقدام کرده‌اند و فقط برای کم‌تر از بیست درصد از زنان روستایی، مردی از خانواده (همسر، پدر و...) در یکی از بانک‌ها گشایش حساب نموده است.

بنابراین، زنان روستایی دو استان یزد و آذربایجان غربی با نظام بانکی آشنا هستند،

افتتاح حساب توسط خود آن‌ها (دارنده حساب) صورت گرفته است، و اکثر دارندگان حساب در یک دهه اخیر نسبت به برقراری ارتباط با نظام اعتبار رسمی اقدام کرده‌اند. مجموعه این اطلاعات نشان‌دهنده حضور تدریجی زنان روستایی در فضای عمومی است.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

واقعیت‌های موجود در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و کشور ما حاکی از تحولات جدی در تفکیک نقش‌های جنسیتی، حتی در جامعه روستایی است. زنان روستایی نقش فعالی در تأمین منابع مالی و غیرمالی خانواده داشته، باکسب درآمد نقدی یا تأمین کالاهای مصرفی، به کاهش هزینه‌های خانواده به‌طور جدی کمک می‌کنند. بنابراین، مردان و زنان هر دو نان‌آور خانه هستند.

گرچه امروزه سهم زنان روستایی دارای درآمد مستقل هنوز هم وزن کل زنان مشارکت‌کننده در فعالیت‌های اقتصادی نیست، ولی به هر حال تمایل زنان به کسب استقلال، آن‌ها را به این سو حرکت داده است، به طوری که در استان یزد پنجاه درصد و در آذربایجان غربی ۲۸ درصد دارای درآمد مستقل‌اند. کسب درآمد مستقل برخلاف تصور همگان، موجب جدایی زن از خانواده نگردیده، بلکه درآمد به‌دست آمده در راه تأمین هزینه‌های زندگی و آموزش فرزندان صرف می‌شود.

براساس یافته‌های پژوهش حاضر، کنترل منابع اقتصادی کماکان در دست مردان خانواده است و زنان روستایی غالباً مشارکت‌کننده در تصمیم‌گیری‌های مربوط به هزینه‌های روزمره یا تحصیل بچه‌ها هستند. بنابراین، عنوان «مدیران خانه» فقط عنوانی خوشایند و دلچسب برای گروهی از مردم است.

اطلاعات به‌دست آمده نشان‌دهنده شناخت و ارتباط زنان روستایی با نظام بانکی است. بدین ترتیب، زنان روستایی، خواسته یا ناخواسته، چه برای کار در واحد بهره‌برداری و چه برای برخورداری از منابع نظام اعتباری، در فضای عمومی حضور می‌یابند.

به‌طور خلاصه، یافته‌های پژوهش هشدار می‌دهد که بسیاری از تفکرات قالبی مسلط

بر پیش فرض‌های برنامه‌ریزی در مورد زنان روستایی صحت ندارد. تحولاتی رخ داده که البته در همه جوامع مشابه نیست و اطلاعات دو استان مورد مطالعه، توسعه‌یافتگی بیش‌تر یزد را در این زمینه نسبت به آذربایجان غربی به خوبی نشان می‌دهد. ولی به هر حال، امروزه درستی پیش‌فرض‌های سنتی در مورد نقش زنان روستایی به شدت باید مورد تردید قرار گیرد.

### تصور دیروز

### واقعیت امروز

- مردان روستایی تنها «نان آورخانه» هستند.
- مردان و زنان هر دو نان‌آور خانه هستند.
- «مدیریت خانه» با زنان روستایی است.
- مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده بیش‌تر حول محور هزینه‌های روزمره زندگی و آموزش بچه‌ها می‌گردد.
- زنان روستایی استقلال اقتصادی ندارند.
- گروهی از زنان روستایی (در یزد بیش‌تر و در آذربایجان غربی کم‌تر) به استقلال مالی دست یافته‌اند.
- زنان روستایی در فضای عمومی حضور ندارند.
- زنان روستایی طی دهه اخیر بیش‌از گذشته در فضای عمومی (ارتباط با نظام اعتبار رسمی بانک‌ها) حضور یافته‌اند.

بنابراین، تفکیک نقش‌های جنسیتی در همه جوامع از جمله کشور ما، وجود دارد و این تفکیک نقش‌ها بیش‌از آن که جنبه زیست‌شناختی داشته باشد، جنبه اجتماعی و فرهنگی داشته، اکتسابی و قابل تغییر است. به یقین، کشورهایی در راه توسعه موفق خواهند بود که برنامه‌ریزان آن علاوه بر درک اهمیت نقش‌های جنسیتی، نسبت به کنار گذاشتن پیش‌فرض‌های نادرست و برنامه‌ریزی مبتنی بر واقعیت‌ها نیز اقدام نمایند.

## منابع

- شادی طلب، ژاله. جامعه‌شناسی رفتارهای اقتصادی زنان روستایی: پس‌انداز. تهران: مرکز تحقیقات بانک کشاورزی، ۱۳۷۶.
- عرب مازار، عباس و قره‌باغیان، مرتضی. طرح تحقیقاتی طبقه‌بندی مناطق روستایی استان‌های کشور. با توجه به شاخص‌های اقتصادی، آموزشی، بهداشتی و اجتماعی. تهران: مرکز تحقیقات بانک کشاورزی، ۱۳۷۳.
- مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی. زنان روستایی ایران. تهران: وزارت کشاورزی، ۱۳۷۴.
- هاشمی، مریم. بررسی نقش اقتصادی - اجتماعی زنان در تولید قالی: تعاونی فرش دستباف بادبزین. پایان‌نامه کارشناسی علوم اجتماعی، تهران: دانشگاه تهران، ۷۴ - ۱۳۷۳.
- Dixon, Muller. *Women's Work in Third World Agriculture*. ILO, 1989.
- FAO. "*Gender Analysis for Forestry Development Planning*." Food and Agriculture Organization of the United Nations, Rome: 1997.
- Moser, Caroline. *Gender Planning and Development Theory-Practice and Training*. London: Ec4p 4EE, 1993.
- Oakley A. *Sex, Gender and Society*. London: Temple Smith, 1972.
- Overholt, C.; Anderson, M.; Cloud, K. and Austin, J. *Gender Roles in Development*. West Houtford. Connecticut: Kumarian Press, 1984.
- Rubin, G. "The Traffic in Women: Notes on the Political Economy of Sex". in R. Reiter (ed.) *Toward an Anthropology of Women*. New York: Monthly Review Press, 1975, pp 157-210.
- UN. *World Survey on the Role of Women in Development*. Dept. of International Economic and Social Affairs, 1986.
- Whitehead, A. *Some Preliminary Notes on the Subordination of Women*. Institute of Development Studies Bulletin, vol. 10, No. 3.